



Islamic Maaref University


Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI

Vol. 21, Summer 2025, No. 81

**Methodological Analysis of the Response
to the Denial of Revelation in the Commentary Tasnim**

Hamid Ahmadi ¹ \ Seyyed Hamid Hosseini ² \ Hamed Fathaliani ³

1. PhD Student in Qur'anic Sciences and Hadith, Department of Theology and Islamic Studies, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
hamid.ahmadi5651@iau.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (the responsible).
dr.hosseini@iau.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran.
hamed1357@iau.acir

Abstract Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> 	<p>The issue of the present research is the challenge of denying revelation in the contemporary theological sphere; a fundamental challenge that, by denying the possibility of a legal relationship between the Creator and the created, has provided the basis for the origin of many doctrinal and interpretative doubts. This view, which considers revelation to be a purely human inner fact or a human experience, is in clear conflict with the revealed foundations of Islam. The research method is descriptive-analytical and, by focusing on the precious commentary "Tasnim" by Ayatollah Javadi Amoli, an attempt is made to analyze his rational and argumentative method in confronting the views of those who deny revelation. The findings of the research show that he has been able to present a coherent structure to respond to these doubts by utilizing a system of rational and narrative evidence and methods such as conceptual explanation, reasoning, allegory, using the status of revelation of verses, and the ethical method. This study demonstrates the capacity of "Tasnim Commentary" in providing theological and rational responses to emerging challenges in the field of revelation and can open a horizon for the development of "applied thematic interpretation" with a skeptical approach.</p>
<p>Received: 2025/01/24</p> <p>Accepted: 2025/07/20</p>	
<p>Keywords</p>	<p>Response Method, Denial of Revelation, Allegory, Tasnim Commentary, Breach and Solution Reasoning.</p>
<p>Cite this article:</p>	<p>Ahmadi, Hamid, Seyyed Hamid Hosseini & Hamed Fathaliani (2025). Methodological Analysis of the Response to the Denial of Revelation in the Commentary Tasnim. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i>. 21 (2). 53-72. DOI: 10.22034/21.81.51</p>
<p>DOI:</p>	<p>https://doi.org/10.22034/21.81.51</p>
<p>Publisher:</p>	<p>Islamic Maaref University, Qom, Iran.</p>

تحليل منهجي لطريقة الرد علي إنكار الوحي في تفسير تسنيم

حميد احمددي^١ / سيد حميد حسيني^٢ / حامد فتحعلياني^٣

١. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، فرع همدان، جامعة آزاد الإسلامية، همدان، إيران.
hamid.ahmadi5651@iau.ac.ir
٢. أستاذ مساعد، قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، فرع همدان، جامعة آزاد الإسلامية، همدان، إيران (الكاتب المسؤول).
dr.hoseini@iau.ac.ir
٣. أستاذ مساعد، قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، فرع ملایر، جامعة آزاد الإسلامية، ملایر، إيران.
hamed1357@iau.ac.ir

ملخص البحث	معلومات المادة
تتمحور مسألة هذا البحث حول تحدي إنكار الوحي في الفضاء الكلامي المعاصر؛ وهو تحدٍ أساسي يرفض إمكانية العلاقة التشريعية بين الخالق والمخلوق، ما يمهد لخلفية ظهور العديد من الشبهات العقائدية والتفسيرية. إن هذا التوجه، الذي يعتقد أن الوحي أمرٌ داخليّ أو تجربة إنسانية بحتة، يتعارض بوضوح مع المبادئ الوحيية في الإسلام. منهج البحث هو وصفي - تحليلي، و يتركز على تفسير "تسنيم" للأستاذ آية الله جواد آملی، بهدف دراسة الآليات العقلية والاستدلالية التي اعتمدها في مواجهة آراء منكري الوحي. نتائج البحث أظهرت أنه، بالاستفادة من منظومة من الأدلة العقلية والنقلية وطرق مثل التبيين المفاهيمي، الاستدلال الحلي والنقضي، التشبيه، الاستعانة بمناسبة نزول الآيات، والمنهج الأخلاقي، تمكن من تقديم هيكل متماسك للرد على هذه الشبهات. تشير هذه الدراسة إلى قدرة تفسير "تسنيم" على تقديم إجابات كلامية وعقلانية للتحديات المستجدة في مجال الوحي، ويمكن أن تفتح آفاقاً لتطوير التفسير الموضوعي التطبيقي من خلال منهجية دراسة الشبهات.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٧/٢٣ تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠١/٢٤
منهجية الرد، إنكار الوحي، التشبيه، تفسير تسنيم، الاستدلال الحلي والنقضي.	الألفاظ المفتاحية
احمددي، حميد، سيد حميد حسيني و حامد فتحعلياني (١٤٤٧). تحليل منهجي لطريقة الرد على إنكار الوحي في تفسير تسنيم. مجلة الفكر الديني الجديد. ٢١ (٢). ٧٢ - ٥٣. DOI: 10.22034/21.81.51	الاقتباس:
https://doi.org/10.22034/21.81.51	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	الناشر:

تحلیل روش شناختی پاسخ به انکار وحی در تفسیر تسنیم

حمید احمدی^۱ / سید حمید حسینی^۲ / حامد فتحعلیانی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

hamid.ahmadi5651@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

dr.hoseini@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

hamed1357@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۷۲ - ۵۳)	مسئله تحقیق حاضر، چالش انکار وحی در سپهر کلام معاصر است؛ چالشی بنیادین که با نفی امکان ارتباط تشریحی میان خالق و مخلوق، بستر خاستگاه بسیاری از شبهات اعتقادی و تفسیری را فراهم آورده است. این نگرش که وحی را امری صرفاً درونی یا تجربه‌ای بشری می‌پندارد، در تعارض آشکار با مبانی و حیاتی اسلام قرار دارد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و با تمرکز بر تفسیر گرانسنگ «تسنیم» اثر آیت اله جوادی آملی، تلاش می‌شود تا سازوکارهای عقلانی و استدلالی ایشان در مواجهه با دیدگاه‌های منکران وحی واکاوی گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایشان با بهره‌گیری از منظومه‌ای از ادله عقلی و نقلی و شیوه‌هایی چون تبیین مفهومی، استدلال حلی و نقضی، تمثیل‌پردازی، استفاده از شأن نزول آیات و روش اخلاقی توانسته است ساختاری منسجم برای پاسخگویی به این شبهات ارائه دهد. این مطالعه، نشان دهنده ظرفیت «تفسیر تسنیم» در ارائه پاسخ‌های کلامی و عقل‌مدارانه به چالش‌های نوپدید در حوزه وحی است و می‌تواند افقی برای توسعه «تفسیر موضوعی کاربردی» با رویکرد شبهه‌پژوهی بگشاید.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵	روش پاسخگویی، انکار وحی، تمثیل‌پردازی، تفسیر تسنیم، استدلال حلی و نقضی.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹	احمدی، حمید، سید حمید حسینی و حامد فتحعلیانی (۱۴۰۴). تحلیل روش شناختی پاسخ به انکار وحی در تفسیر تسنیم. اندیشه نوین دینی. ۲۱ (۲). ۷۲ - ۵۳. DOI: 10.22034/21.81.51
واژگان کلیدی	https://doi.org/10.22034/21.81.51
استناد:	DOI: 10.22034/21.81.51
کد DOI:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.
ناشر:	

طرح مسئله

وحی، به‌مثابه اصلی‌ترین راه ارتباط تشریحی میان خالق و مخلوق، یکی از ارکان اساسی علم کلام اسلامی محسوب می‌شود و همواره در طول تاریخ مورد اهتمام متکلمان بوده است. انکار وحی، خصوصاً انکار نزول قرآن از جانب خداوند متعال، از مهم‌ترین شبهاتی است که با هدف تضعیف مبانی نبوت و سلب اعتبار از دین وحیانی اسلام طرح شده و در سده‌های اخیر در قالب خوانش‌های بشری از وحی نمود نظری یافته است.

در برابر این جریان، ضرورت پاسخ‌گویی کلامی و نظام‌مند به این قبیل شبهات، متفکران معاصر را بر آن داشته است که ضمن دفاع عقلانی از اصل وحی، روش‌هایی سنجیده برای تحلیل و نقد دیدگاه منکران ارائه دهند. در این میان، آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر **تسنیم** با رویکردی عقلانی، برهانی و متعهد به مبانی وحیانی، به تبیین چیستی و حجیت وحی پرداخته و در مواجهه با اشکالات معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی منکران وحی، دفاعی کلامی کرده است.

اگرچه ایشان به صورت صریح و طبقه‌بندی‌شده به تبیین روش‌شناسی پاسخ‌گویی نپرداخته است، با تحلیل محتوای تفسیری و استنباطی **تسنیم**، می‌توان به مجموعه‌ای از روش‌ها دست یافت؛ از جمله استدلال حلی و نقضی، تبیین مفهومی، تحلیل شأن نزول، تمثیل‌پردازی و بهره‌گیری از ساختار اخلاقی و فطری در اقناع مخاطب. کشف این روش‌ها و نظام‌مند ساختن آنها، نه‌تنها جنبه‌ای نوآورانه دارد، بلکه می‌تواند الگویی کارآمد در مواجهه عقلانی با منکران وحی در کلام معاصر فراهم آورد.

این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و اتکا بر ادله عقلی و نقلی، درصدد واکاوی روش‌های به‌کاررفته در تفسیر **تسنیم** در پاسخ‌گویی به شبهات منکران وحی است و آن را در چهارچوب مواجهه کلامی معاصر تحلیل می‌کند.

مفهوم‌شناسی

۱. روش

«روش» در لغت به معنای طریقه، شیوه و اسلوب (ر.ک: دهخدا، ۱۳۲۵: ۲۶ / ۱۶۲) است و در اصطلاح به هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود اطلاق می‌شود. همچنین، ممکن است به معنای مجموعه طریقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند یا مجموعه ابزارها و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند نیز به کار رود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۴).

با توجه به بررسی لغوی و اصطلاحی، منظور از «روش» در این نوشتار یک نوع رفتار و عملکرد

نظام‌یافته و هدف‌دار است که مفسر تفسیر تربیتی تسنیم با استفاده از ابزارها، راه‌ها و منابع گوناگون در اجرای فرایند پاسخ‌گویی به شبهات منکران وحی در پیش گرفته است.

۲. وحی

راغب اصفهانی گوید:

أصل الوحي الإشارة السريعة (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۵)؛ وحی پیامی پنهانی است که اشارت‌گونه و با سرعت انجام گیرد.

«وحی» در لغت به معانی مختلفی آمده است؛ از جمله به اشارت، کتابت، نوشته، رساله، پیام، سخن پوشیده، اعلام در خفا، شتاب و عجله و هرچه از کلام یا نوشته یا پیغام یا اشاره که به دیگری به دور از توجه دیگران القا و تفهیم شود وحی گفته می‌شود (معرفت، ۱۳۸۱: ۲۰).

وحی در اصطلاح قرآن القای کلام به صورت مخصوص و از راه‌های معین بر پیامبران الهی است. این وحی گرچه مخفی و سریع و به صورت پیام است، ویژه پیامبران و از راه‌های مخصوص است (ایازی، ۱۳۸۱: ۵۷).

با بررسی لغوی و اصطلاحی واژه وحی درمی‌یابیم منظور از وحی در این نوشتار «وحی رسالی» است که شاخصه نبوت است و در قرآن بیش از هفتاد بار تکرار شده است.

۳. منکر

«منکر» به معنای انکارکننده و جحدکننده و جاهل آمده و کسی است که انکار و رد می‌کند و قبول و پسند نمی‌کند و مغبل و آن‌که جهالت دارد و نمی‌داند و آن‌که بیزاری می‌جوید و نفرت دارد و آن‌که اعتماد بر کسی نمی‌کند و قول و اقرار وی را معتبر نمی‌شمارد، و ناسپاس و بی‌وفا؛ و زخم منکر زخمی است که چاره‌پذیر نباشد (نفیسی، ۱۳۵۵: ۵ / ۳۵۵۹).

۴. تفسیر «تسنیم»

تفسیر تسنیم از تفاسیر ترتیبی قرآن کریم به زبان فارسی اثر آیت‌الله جوادی آملی است. نام این تفسیر از آیه ۲۷ سوره مطففین الهام گرفته شده که نام چشمه‌ای در بهشت است. این تفسیر از سرآمد تألیفات ایشان است (دفتر مرجعیت آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی).

روش محوری این تفسیر بر پایه اسلوب تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر المیزان روش تفسیر قرآن به قرآن است.

از دیدگاه مفسر *تسنیم*، منابع تفسیر قرآن عبارت‌اند از «قرآن، سنت و عقل» و چون «منهج و روش تفسیری» هر مفسر پیوند تنگاتنگی با «منابع تفسیر قرآن» دارد، به‌اجمال می‌توان *منهج تفسیری تسنیم* را «منهج اجتهادی جامع» و دربردارنده «تفسیر قرآن به قرآن»، «تفسیر قرآن به سنت» و «تفسیر قرآن به عقل» نامید. در میان این سه شیوه، کارآمدترین آنها «تفسیر قرآن به قرآن» است؛ زیرا مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن خود قرآن است که مبین، شاهد و مفسر خویش است و در دستیابی به معارف قرآن اثری عمیق دارد (همان).

۵. مواجهه کلامی

مواجهه کلامی واکنشی است منظم و مستدل که در علم کلام برای پاسخ به انکار وحی به کار می‌رود. این نوع مواجهه با بهره‌مندی از منابع وحیانی، عقل و سنت، ضمن استدلال عقلی و نقلی، به دفاع از اصالت و صحت وحی می‌پردازد و شبهات منکران را براساس مبانی کلامی رد می‌کند. چنین رویکردی از دیرباز جایگاهی مهم در روش‌شناسی کلام اسلامی داشته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۱۲).

الف) اهمیت بحث روش‌های پاسخ‌گویی به منکران وحی

بحث روش‌شناسی پاسخ‌گویی به منکران وحی از آن جهت می‌تواند اهمیت داشته باشد که با دانستن روش صحیح آن می‌توان به شبهات عصر پاسخ داد و با عدم یادگیری این دانش نه‌تنها در بسیاری از موارد به پاسخ درخور و شایسته‌ای دست نخواهیم یافت، بلکه پاسخ‌های ناصوابی که ممکن است به شبهات داده شود راه را برای کج‌فهمی‌ها و کج‌اندیشی‌ها باز می‌کند.

سیره و روش امامان معصوم علیهم‌السلام نیز آموزش روش پاسخ‌گویی و مباحثه در خصوص شبهات به یارانشان بوده است. در روایتی آمده هشام بن حکم جریان مباحثه خود را با عمرو بن عبید که از بزرگان اهل سنت بوده برای امام صادق علیه‌السلام بازگو و به‌صراحت اعلام کرده که اصول مباحثه را از امام فراگرفته و با توجه به آن اصول، مباحثه را ترتیب داده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶۹).

با وجود این، همچنان جای اثری که به بررسی روش‌های پاسخ‌گویی به منکران وحی پرداخته باشد خالی است و از طریق بررسی و معرفی این روش‌ها، الگوی مناسبی به محققان در زمینه پاسخ‌گویی به منکران وحی ارائه خواهد شد.

ب) روش‌های آیت‌الله جوادی آملی در پاسخ‌گویی به منکران وحی در تفسیر «تسنیم»

در این پژوهش، برای بررسی روش‌های آیت‌الله جوادی در پاسخ‌گویی به منکران وحی بر تفسیر *تسنیم*

تأکید شده است؛ زیرا افزون بر جایگاه ویژه آن در تفسیر قرآن، توجه و اهتمام خاصی به دفع شبهات به تناسب آیات دارد. علاوه بر آن، ایشان در این تفسیر شریف در موارد متعددی با استفاده از قواعد و روش‌های صحیح عقلی و نقلی نظریه‌پردازی کرده است. ذکر این نکته لازم است که در برخی موارد نیز در پاسخ‌گویی به یک شبهه از چند روش استفاده کرده است که در ادامه به معرفی برخی از این روش‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. استناد به آیات قرآن

آیت‌الله جوادی با استفاده از قرآن کریم به روشی برای پاسخ‌گویی به منکران وحی وارد شده است. همان‌گونه که روش اصلی آیت‌الله جوادی در مباحث تفسیری روش «تفسیر قرآن به قرآن» است، ایشان در پاسخ‌گویی به منکران وحی نیز از آیات قرآن استفاده می‌کند.

دأب ایشان چه در مباحث تفسیری و چه در سایر علوم و همچنین در پاسخ‌گویی به شبهات استفاده از قرآن کریم است و لازمه فهم و درک آیات الهی را تدبیر در متن آن می‌داند:

برای فهم متن مقدس دینی، بهترین راه تدبیر تام در همان متن منزه الهی است. قرآن کریم نیز از آن جهت که نور است هیچ ابهام و تیرگی ندارد. قرآن وزین و عمیق است، ولی وزانت علمی و عمق نظری آن با نورانی بودن آن منافی نیست؛ زیرا نور چنان که گذشت، در برابر ظلمت ابهام است، نه در برابر نظری و ژرف بودن. نور بودن قرآن به معنای بدیهی بودن آن نیست تا نیازی به تفسیر نداشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱ / ۶۱).

ایشان در خلال تفسیر تسنیم، برای پاسخ‌گویی به منکران وحی با استناد به آیات قرآن، به طرح بهانه‌ها و دسیسه‌های منکران وحی پرداخته و سپس با استفاده از خود قرآن و آیات نورانی آن، پاسخ آنان را بیان کرده است. به‌عنوان نمونه، منکران وحی اعتقاد دارند وحی آسمانی، همانند نزول باران از آسمان، مادی است و باید آن را به صورت کاملاً مادی و محسوس ببینند و لمس کنند؛ چنان که قرآن در آیه شریفه «وَكُلُّ نَزْلُنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ يَأْتِيهِمْ (انعام / ۷)؛ و اگر ما نوشته‌ای روی صفحه‌ای بر تو نازل کنیم که آنان آن را با دست خود لمس کنند، باز کفرپیشگان می‌گویند: این جز جادویی آشکار نیست» نیز به این مطلب صراحتاً اشاره کرده که منکران وحی به سبب تفکرات مادی و همچنین بهانه‌جویی و شهوت عملی در مقابل وحی الهی، نسبت‌های ناروایی مانند سحر را به آورندگان وحی می‌دهند و این آیه از تفکرات مادی و شدت لجاجت و بهانه‌تراشی آنها پرده برداشته است.

آیت‌الله جوادی، با استناد به آیه ذکرشده و سایر آیات، منکران وحی را که در این آیه همان مشرکان

حجازند کسانی معرفی می‌کند که شهوت عملی دارند و بهانه‌جو و مادی‌گرایند و پاسخ منکران وحی را در **تسنیم** چنین می‌دهد که اگر شما توقع دارید وحی مانند باران محسوس باشد، دلیل بیان این‌گونه ایرادات از سوی شما شهوت عملی و نگاه مادی‌گرایانه و شدت لجاجت شماست و می‌گوید آیه مورد بحث ناظر به قسم دوم (شهوت عملی) منکران است و از شدت لجاجت و بهانه‌جویی آنان درباره وحی الهی پرده برمی‌دارد: آنها می‌پنداشتند که وحی آسمانی مادی است و همانند باران نازل می‌شود. پس، باید محسوس و ملموس باشد. از این رو، وقتی پیامبر اکرم ﷺ از وحی الهی سخن می‌گویند، در برابر آن لجاجت می‌ورزند و می‌گویند که این سخنان را از کجا آورده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۴ / ۴۳۹).

۲. استناد به سنت

آیت‌الله جوادی، با استفاده از سنت، به روشی برای پاسخ‌گویی به منکران وحی وارد شده و در پاسخ‌گویی به آنان از احادیث و روایات اهل بیت علیهم‌السلام استفاده کرده است.

از آنجاکه بنابر نصّ قرآن کریم، اهل بیت علیهم‌السلام مطهرند، بیان آنها نیز همچون دیگر کارهایشان معصومانه است. امام علی علیه‌السلام در ماجرای حکمیت فرمودند:

همانا خدای سبحان گفته است: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء / ۵۹). پس، بازگرداندن آن به خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم و بازگرداندن به رسول این است که سنت او را بگیریم. پس، اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری کنند، ما از دیگر مردمان بدان سزاوارتریم، و اگر به سنت رسول ﷺ گردن نهند، ما بدان اولی‌تریم **(نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۱۲۵: ۱۲۳)**.

طبق آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ (رعد / ۷)؛ و کافران می‌گویند چرا از سوی پروردگارش معجزه‌ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده است؟»، منکران وحی با درخواست‌های نامعقول که همراه با استهزا و بهانه‌جویی بود به انکار وحی می‌پرداختند و هر روز پیشنهادی تازه می‌دادند و معجزه‌ای نو می‌خواستند؛ در صورتی که هر معجزه‌ای وقت و حکمت خاصی دارد و اعجاز روزانه و لحظه‌ای و به دلخواه مردم نیست و وظیفه اصلی پیامبران، پس از اثبات نبوتشان با معجزه، انذار و تخویف با استفاده از وحی است که بیشترین تأثیر را در هدایت دارد، گرچه ایشان مبشر نیز هستند.

آیت‌الله جوادی، پس از کامل کردن تفسیر این آیه و در پایان آن با استفاده از روایات، به منکرانی که هدفشان از طرح این‌گونه مباحث انکار وحی است، با استفاده از روایات پاسخ داده است که وظیفه رساننده وحی چیست و مصادیق «منذر» و «هاد» را به منکران وحی می‌شناساند:

عن عبد الرحيم القصير قال: كنت يوماً من الأيام عند أبي جعفر عليه السلام فقال: يا عبد الرحيم! قلت: لبيك. قال: قول الله: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» إذ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا المنذر وعليّ الهادي ومن الهادي اليوم؟ قال: فسكت طويلاً ثم رفعت رأسي فقلت: جعلت فداك! هي فيكم توارثونها رجل فرجل حتّي انتهت إليك فأنت جعلت فداك الهادي قال: صدقت يا عبد الرحيم (عياشي، ۱۳۸۰ ق: ۲ / ۲۰۳).

أخرج بن جرير و بن مردويه و...:

قال: لما نزلت «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» وضع رسول الله صلى الله عليه وآله يده علي صدره فقال: أنا المنذر وأوماً بيده إلي منكب علي (رضي الله عنه) فقال: أنت الهادي يا علي! بك يهتدي المهتدون من بعدي (سيوطي، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۴۵).

عن أبي برزة الأسلمي (رضي الله عنه) سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» ووضع يده علي صدر نفسه ثم وضعها علي صدر علي ويقول: «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (همان).
عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: فينا نزلت هذه الآية: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا المنذر وأنت الهادي يا علي (عياشي، ۱۳۸۰ ق: ۲ / ۲۰۳؛ بحراني، ۱۴۱۵ ق: ۳ / ۱).

اشاره: چون امام معصوم در هر عصری مصداق تام و کامل «هادی» است، تطبیق آن بر امیر مؤمنان عليه السلام از سنخ تفسیر مفهومی نیست، بلکه از قبیل ذکر نمونه است و نتیجه جمع میان روایات یادشده نیز همین خواهد بود، هرچند ذیل جمله «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» اقوالی گزارش شده است (طوسی، بی‌تا: ۶ / ۲۲۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۹ / ۱۴). تطبیق هادی بر حضرت علی عليه السلام در غالب کتاب‌های تفسیری اهل سنت مشهود است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۲ / ۱۳۰ - ۱۲۹).

۳. بهره‌گیری از براهین عقلی

آیت‌الله جوادی از مسیر عقل و ابعاد مختلف آن نیز از روش‌های مختلفی برای پاسخ‌گویی به منکران وحی بهره برده و در تسنیم از برهان‌های عقلی متعددی در رفع شبهات و مقابله با منکران استفاده کرده است. ایشان منظور از عقل را در این روش «عقل برهانی» دانسته که از مغالطه و وهم و تخیل محفوظ است؛ یعنی عقلی که با اصول و علوم متعارفش اصل وجود مبدأ جهان و صفات و اسمای حسنی او را ثابت کرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۷۰ - ۱۶۹).

استفاده از عقل برهانی در مواجهه با سطحی‌نگرانی که صرفاً معنای لغوی قرآن را می‌نگرند، درحالی که مخالف با استلزامات عقلی است، روش اهل بیت علیهم السلام است که با اتکا به ادله عقلی به تبیین

قرآن می‌پرداختند و استفاده از این روش پاسخ‌گویی توسط مفسر تسنیم در واقع پیروی از روش اهل بیت علیهم‌السلام است (شاکر، ۱۳۸۲: ۳۰۰).

البته با توجه به محدودیت‌هایی که برای عقل (نقش مصباحی) وجود دارد، عقل فقط راه مستقیم را پیش روی انسان روشن می‌کند، و خودش راه نیست. انسان، بدون صراط مستقیم، به کمال نمی‌رسد و بدون صراط، از روشنگری عقل کاری برای هدایت انسان بر نمی‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۳۵۰).
دأب آیت‌الله جوادی در پاسخ‌گویی به منکران وحی آن است که با بهره‌گیری از دلیل عقلی غیرمستقل و استدلال منطقی به نتیجه دست می‌یابد و ایشان در نمونه‌ای که در ادامه می‌آید با براهین عقلی اقامه‌شده، دلیل انکار وحی توسط گروهی از منکران را دوری آنان و فاصله گرفتن از عقل بیان کرده است:

عده‌ای از منکران وحی توجیه‌گران مکاتب الحادی هستند؛ مانند مادی‌گرایان کنونی که همانند قوم بنی‌اسرائیل می‌گویند: چون خدا را با حواس نمی‌توان ادراک کرد، پس وجود ندارد و یا قابل ستایش نیست: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (بقره / ۵۵) و قرآن کریم در پاسخ آنان رهنمود می‌دهد که معیار شناخت عقل است، نه صرف احساس و تجربه؛ زیرا در عالم شهادت نیز که شناخت تجربی ارزشمند است، پشتوانه آن عقل است و سرانکار ملحدان نسبت به الهیات و معارف غیبی این است که معیار شناخت را تنها تجربه می‌دانند و معارف ماورای طبیعت محسوس را مهمل می‌پندارند. از این رو، می‌گویند: «أَرَأَيْتُمُ اللَّهَ جَهْرَةً» (نساء / ۱۵۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۷۴ - ۱۷۳).

آن کس که به تشخیص عقل یا نقل معتبر بر صراط مستقیم نیست در برابر حق و در مقابل عقل و وحی است، و انحراف و فاصله گرفتن از طریق عقل و وحی و رویارویی با آن سفاقت، هوا، مظنه، ضلالت و مانند آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸ / ۵۵۳).

۴. بهره‌گیری از آرای مفسران

آیت‌الله جوادی در پاسخ‌گویی به منکران وحی از آرای مفسران بهره‌جسته است. در دیدگاه ایشان، آرای مفسران حتی اگر از صحابه و تابعین باشند، با اینکه دارای حجیت نیست، می‌تواند راهگشا باشد. به نظر ایشان، همان‌گونه که در علم فقه، آرا و فتاوی فقها برای فقیه دیگر در استنباط احکام فرعی از منابع دین هیچ‌گونه حجیتی ندارد و تنها برای تکامل علمی فقیه مستنبط راهگشا و زمینه‌ساز است، آرای مفسران نیز راهگشای آشنایی با قرآن و برداشت‌های تفسیری مفسر است و هیچ‌گونه حجیتی برای او ندارد؛ اعم از آنکه مفسران مزبور از صحابه یا تابعین باشند یا از مفسران اعصار بعد؛ زیرا هیچ‌یک از آنان معصوم نیستند تا

کلام آنان حجت شرعی و منبع استنباط احکام و حکم شریعت باشد، مگر آنکه جنبه روایی داشته باشد. برداشت‌های صحابه یا تابعین اگر در محضر معصومان علیهم‌السلام بوده و امکان ردع و مجال رد نیز بوده، لیکن چنان برداشتی مردوع و مردود نشده، نشانه صحت آن برداشت‌هاست. البته صحت یک رأی مستلزم انحصار معنای آیه در آن رأی نیست، مگر آنکه نسبت به نقیض خود پیام خاص دارد که آن پیام عبارت از بطلان نقیض برداشتِ دارج بین اصحاب است (همان: ۱ / ۲۳۲).

در نظر مفسر تسنیم، در صورتی که قانون استنباط‌شده توسط مفسران یا فقیهان مطابق با دین باشد، با صرف نظر از استنباط و با قطع نظر از مستنبطان، هرگز از دین جدا نخواهد بود؛ یعنی قانونی است مقدس و نقدناپذیر؛ چنان که قانون‌های مخالف آن نامقدس و نقدپذیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴ / ۶۶).

بنابراین، آیت‌الله جوادی همواره از آرای سایر مفسران به‌عنوان مستنبط راهگشا و زمینه‌ساز برای تفسیر و پاسخ‌گویی به شبهات منکران وحی استفاده کرده و با توجه به اینکه ایشان به‌عنوان شاگرد در محضر مفسر بزرگ قرآن کریم، علامه طباطبایی، بوده، از منهج تفسیری و آرای ایشان بهره فراوان برده است. ایشان تسنیم را ادامه و تکمیل‌کننده *المیزان*، و علامه طباطبایی را استادی ممتاز در ابعاد مختلف می‌داند و درباره دلایل استفاده از آرای ایشان می‌گوید:

در همان اوایل ورود به حوزه قم این توفیق نصیب شد که به جلسات خصوصی مرحوم علامه راه پیدا کردم و در این جلسات خصوصی بود که با مرحوم شهید بهشتی و شهید مفتح و برخی آقایان دیگر آشنا شدم. پس از ورود به جلسات و درس‌های خصوصی مرحوم علامه، کم‌کم فهمیدم که تازه ابتدای درس خواندن است. دیگران مدرس بودند، ولی مرحوم علامه طباطبایی واقعاً حکیم و فیلسوف و مبتکر بود. ایشان در چهار جهت استادی ممتاز بودند: هم در تبیین سخنان و نظرات حکما و فیلسوفان و نیز تبیین پیام حکمت، هم در تحلیل مدعیات حکمت، هم در حمایت و دفاع از معارف فلسفی و هم در نوآوری ممتاز بود؛ و نوآوری کاری آسان نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

آیت‌الله جوادی در پاسخ‌گویی به منکران وحی از منابع پرشماری بهره گرفته است. در پایان مجلدات این تفسیر، به‌جز جلد ۱ و ۲، فهرست منابع آمده است. گستردگی منابع نشانه همت والای مؤلف در استفاده از آرای سایر مفسران است و نوع آنها نشان می‌دهد مفسر در بهره‌گیری از منابع تفسیری و روایی، خود را در منابع امامیه محدود نکرده است. به‌عنوان نمونه، ایشان در تفسیر آیه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا (انعام / ۹۱)؛ آنان خدا را آن‌گونه که سزاوار اوست نشناختند؛ زیرا گفتند: خدا بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده»، برای روشن شدن مرجع ضمیر فاعلی در «ما قَدَرُوا» و

«قالوا»، از نظر علامه طبرسی و فخر رازی استفاده کرده و با لحاظ کردن نظر این مفسران، منکران وحی در این آیه را یهودیان دانسته است:

دو احتمال مطرح است: ۱. بی‌شک این سوره مبارکه در مکه نازل شده است و مشرکان مکه، گذشته از انکار رسالت نبی گرامی اسلام ﷺ، اصل وحی و نبوت را منکر بودند و آیه مورد بحث برای اثبات اصل وحی و نکوهش منکران نبوت عام است؛ ۲. ظاهر آیه و قراین داخلی آن، یعنی دو جمله نقضی «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى» و «وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ»، دلالت دارند که این محاجه با یهود بوده است و شأن نزولی که علامه طبرسی از سعید بن جبیر، سدی و ابن عباس نقل می‌کند با این ظاهر سازگار است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۱۵ - ۵۱۴)؛ و براساس نقل فخر رازی، مشهور میان جمهور نیز همین قول است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۳ / ۶۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۶ / ۲۹۵).

۵. ارائه مثال

نقش مثال در توضیح و تفسیر مباحث نقش انکارناپذیری است و به همین دلیل در هیچ علمی بی‌نیاز از ذکر مثال برای اثبات حقایق و روشن ساختن و نزدیک کردن آنها به ذهن نیستیم (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۰ / ۱۷۲).

این روش در پاسخ به شبهات قرآنی نیز کارایی دارد؛ به‌خصوص برای پاسخ به شبهات افرادی که ظرفیت و توانایی دریافت و فهم مباحث علمی سنگین را ندارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. پاسخ می‌تواند از چیزهای ملموس در زندگی افراد برای رفع ابهام و شبهه استفاده کند (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۹۷). شیوه قرآن کریم این است که مطلب مهم و عظیم را با مثال بزرگ و مهم معرفی می‌کند؛ چنان که می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر / ۲۱)، ولی برای مطلب حقیر و فرومایه از امور حقیر و ضعیف مثل می‌آورد؛ چنان که درباره متمسکان به غیر خداوند می‌فرماید (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲ / ۵۱۱ - ۵۱۰):

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ (عنكبوت / ۴۱).

خدای سبحان همان‌گونه که در قرآن درباره مؤمنان راستین مثل‌های فراوانی ذکر کرده، در تورات و انجیل نیز مثل آنان را ذکر کرده است: «مَتَلُّهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَتَلُّهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ» (فتح / ۲۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲ / ۵۱۰).

همین‌طور کلام فصحا مشحون به تمثیل است؛ چنان‌که ادبای عرب نیز در سبعه معلقه و مانند آن از مَثَل استفاده کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲ / ۵۱۰).

آیت‌الله جوادی در پاسخ‌گویی به منکران وحی از روش ارائه مثال فراوان استفاده کرده است. وی در *تسنیم* برای نشان دادن اهمیت وحی و ضرورت آن از مثالی به این شرح استفاده کرده است: یکی از دسیسه‌های منکران وحی برای انکار وحی دادن نسبت‌های ناروا به آورندگان وحی و بیان مطالب انکاری است. به‌عنوان نمونه، به پیام‌آوران وحی می‌گفتند شما نیز همانند ما بشرید و نمی‌توانید واسطه وحی باشید. می‌خواهید با گفتن مطالبی با عنوان وحی ما را از سنت بت‌پرستی نیاکانمان بازدارید. اگر راست می‌گویید، معجزه‌ای بیاورید که بر عقل و دل ما سلطه داشته باشد:

قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ
(ابراهیم / ۱۰).

آیت‌الله جوادی، پس از طرح شبهه آنان، با ذکر مثالی به آنان پاسخ می‌دهد که نزول وحی بر بندگان توسط پیامبران تدبیر خداوند است؛ زیرا او همه موجودات را آفرید و تدبیر و پرورش همگان بر عهده او و تدبیر هرچیزی متناسب با همان شیء است. مثلاً تدبیر درخت به دادن آب، نور و مواد غذایی به آن است و تدبیر انسان به نزول وحی و اعطای نیروهای علمی و عملی و راهنمایی پیامبران الهی است، تا معارف و احکام الهی و راه زندگی و تعدیل قوای نفسانی را بیاموزد و دچار افراط و تفریط نشود. پس، پرورش انسان تنها در سایه وحی الهی شدنی است. از این‌رو وحی و نبوت امری ضروری است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۳ / ۳۸۸).

۶. برهان حلی و دلیل نقضی

آنچه در واقع جواب شبهه است و شبهه را از میان می‌برد پاسخ حلی است. حل در لغت به معنای گشودن، باز کردن، و گشودن گره در مقابل عقد است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۰۲۷؛ معین، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۳۶۸). منظور از پاسخ حلی آن است که جهات نقص استدلال طرف مقابل، اشتباهات و مغالطه‌هایی که در آن صورت گرفته است با ارائه برهان و دلیل بیان شود. برهان نیز عبارت است از حجت قاطع و آشکار (خاتمی، ۱۳۸۵: ۷۷) و مقصود از دلیل آن چیزی است که دال بر صحت دعوی باشد (همان: ۱۱۲).

«پاسخ نقضی» نیز، همان‌گونه که از نام آن پیداست، به این معناست که برای رد یک استدلال، حداقل یک مورد نقض برای آن پیدا و بیان کرد. «نقض» به معنای شکستن (قرشی، ۱۳۷۸: ۷ / ۱۰۵)، گسستن و از هم پاشیدن پیوستگی ساختمان و بنا، و نیز باز کردن یا محکم نکردن گره ریسمان، طناب و

عقد است، همان‌گونه که در عبارت عربی آمده است: «تَنَقَّضْتُ الْبِنَاءَ وَالْجِبَلَ وَالْعَقْدَ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴ / ۳۹۱)؛ بنا و طناب و گره را از هم باز کردم.»

بسیاری از پاسخ‌های اهل بیت علیهم‌السلام به شبهات با پاسخ‌های حلی و نقضی انجام شده است. برای نمونه، وقتی مأمون از امام رضا علیه‌السلام پرسید که آیا عصمت حضرت ابراهیم علیه‌السلام با گفتن «هذا ربی» به ستاره، خورشید و ماه سازگار است، امام با بیان این دلیل که این جمله استفهام انکاری است، فرمودند: «هذا ربی» استفهام انکاری و استخباری است و برای مقدمه بررسی و رد پروردگار دانستن اجرام آسمانی است، نه بیانگر اعتقاد واقعی حضرت ابراهیم علیه‌السلام (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۷۵) که به این شکل با برهان حلی پاسخ داده شد.

آیت‌الله جوادی از مفسرانی است که مانند استادش، علامه طباطبایی، در پاسخ‌گویی به شبهات از برهان حلی و دلیل نقضی استفاده می‌کند. ایشان در تفسیر آیه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا» (انعام / ۹۱) در پاسخ به منکران که می‌گویند خدا چیزی (وحی) نازل نکرده از روش حلی و نقضی استفاده کرده است. از عنایات والای خدا به همه انسان‌ها نزول وحی بود و همان‌گونه که در آیه آمده منکران وحی بر اثر عدم معرفت شایسته درباره خدا یا از سر لجاجت و عناد، منکر این حقیقت شدند.

آیت‌الله جوادی نخست سخن آنان را بازگو و ریشه‌یابی می‌کند؛ سپس با دلیلی حلی و دو دلیل نقضی به آن چنین پاسخ می‌دهد:

ظاهر آیه و قراین داخلی آن، یعنی دو جمله «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ» و «وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ»، نقضی‌اند و دلالت دارند که این محاجه با یهود بوده است و شأن نزولی که علامه طبرسی از سعید بن جبیر، سدی و ابن عباس نقل می‌کند، با این ظاهر سازگار است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۱۵ - ۵۱۴)؛ و براساس نقل فخر رازی، مشهور میان جمهور نیز همین قول است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۳ / ۶۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۶ / ۲۹۵).

منکران برای انکار وحی به‌ناحق می‌گویند که خدا بر هیچ بشری وحی نفرستاده و هیچ کتابی نازل نکرده است. این سخن باطل کسانی است که خدا را چنان‌که باید، نشناخته‌اند. بر پایه این برهان حلی که «اینان چون خدا را نشناختند، منکر شدند»، بسیاری از انحرافات عقیدتی و خطاهای عملی آنان معلول نقص معرفتشان درباره خداست (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۶ / ۲۸۹).

وقتی منکران وحی می‌گویند: «إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشْرًا مِنْ شَيْءٍ»، مفسر تسنیم پاسخ آنان را در قالب جدال احسن و استدلال نقضی و با استناد به خود آیات می‌دهد که اگر وحی آسمانی نبود، نه آنها و

نه پدرانشان از این معارف چیزی نمی‌دانستند. به دیگر سخن، تعبیر «وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ» همانند عبارت «وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۱۵۱) و بدین معناست که مطالبی را فراگرفتید که در مکتب‌های عادی به دست نمی‌آید. مقصود از «پدران شما» نیز خصوص نیا و تبار شناسنامه‌ای نیست، بلکه مراد آن است که بشر عادی و بیگانه با وحی از آنها آگاه نمی‌شود. در این نوع موضوعات، شاید عقل تا اندازه‌ای برخی خطوط کلی را بفهمد، لیکن تا وحی نباشد و عقل در پرتو آن شکوفا نشود، نیل به این علوم ممکن نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۶ / ۳۰۶).

۷. استناد به قواعد ادبی و تبیین واژه‌ها

روش آیت‌الله جوادی در تبیین لفظی واژه‌های وحیانی قرآن کریم استفاده از خود قرآن و واژه‌های وحیانی آن است. ایشان در روش تفسیر لفظی قرآن با استفاده از واژه‌شناسی و بر محور مشابهت‌های لفظی و گاه مفهومی، به سیر در معانی آیات می‌پردازد و از ورای ترجمه تحت‌اللفظی، برداشت‌های تفسیری ارائه می‌کند و از این روش در پاسخ‌گویی به منکران وحی بهره می‌برد.

به اعتقاد ایشان، تصدیق و تطریح مبادی تصدیقی هر بحثی مستلزم تبیین مبادی تصویری آن است؛ یعنی تا تصور درستی از واژه‌ها و عبارات نباشد، قطعاً نمی‌توان به صحت و سقم قضیه اطمینان کرد. از این رو، برای پاسخ به شبهات لازم است تلقی نادرست از معانی آنها را از بین برد و سپس به پاسخ آن پرداخت (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

تأکید بر این نکته لازم است که این روش برگرفته از روش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام است. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام مشاهده می‌شود که گاهی با استناد به معنای دقیق واژه‌ها و نیز ارتباط بین اجزای کلام، نکته‌ای بدیع به‌عنوان تفسیر آیات بیان شده است (شاکر، ۱۳۸۲: ۲۹۶).

گاهی شبهه ناشی از جهل درباره معنای حقیقی واژه است. در واقع، در چنین مواردی بیان معنای واژه خود پاسخ به شبهه خواهد بود. این روش در پاسخ امام صادق علیه‌السلام به شبهه یک زندیق درباره آیه «دَعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر / ۶۰) از طریق تغییر معنای واژه اجابت کاملاً مشهود است (طبرسی، ۱۴۰۳: ق: ۲ / ۲۸۸).

علامه نیز در پاسخ به شبهات از این روش استفاده کرده است. وی در معنای مفردات، گاهی به عرف، گاهی به گفته‌های لغت‌دانان و گاهی به اشعار استناد می‌کند و گاهی بدون هیچ استنادی معنایی را برای کلمات ذکر می‌کند (بابایی، ۱۳۸۱: ۲ / ۲۲۵).

آیت‌الله جوادی شتاب‌زدگی و عدم ژرف‌نگری در الفاظ وحیانی را عامل بسیاری از نسبت‌های ناروای منکران وحی دانسته است:

گاهی دگراندیشان و منکران وحی به محض مواجهه با واژه یا جمله‌ای که محملی برای خرافات و پندارهای غیرعملی دارد، بدون تعمق و تدبر کافی و ضابطه‌مند در الفاظ و معانی آیات، با شتابی مثال‌زدنی مطلبی را به صورت قطعی به قرآن کریم نسبت می‌دهند؛ درحالی‌که پس از دقت‌های تفسیری در آنها روشن می‌شود که این آیات گویای مطلب دیگری هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۲۴).

۸. بهره‌گیری از شأن نزول آیات

آیت‌الله جوادی بیاناتی که در شأن و سبب نزول آیات قرآن کریم آمده به چند قسم تقسیم کرده است: یک. بیاناتی که به صورت تاریخی است، نه روایتی. البته اگر در موردی اطمینان حاصل شود، مانند آنکه از قول ابن عباس طمأنینه پدید آید، خود آن وثوق و طمأنینه معتبر است، نه آنکه صرف تاریخ اعتباری تبعیدی داشته باشد، برخلاف حدیث معتبر که حجیت تبعیدی دارد، هرچند وثوق حاصل نشود؛ دو. روایات فاقد سند صحیح و معتبر. این‌گونه شأن نزول‌ها گرچه بر اثر احتمال صدور آن از معصومان علیهم‌السلام با کلام بشری متفاوت است و باید تکریم شود، از نصاب لازم در حجیت خبر برخوردار نیست؛ سه. شأن نزول‌هایی که به صورت روایت نقل شده و دارای سند صحیح و معتبر است. این‌گونه روایات در تبیین شأن یا سبب نزول آیه حجیت دارد، ولی همان‌گونه که روایات تطبیقی شمول و گستره معنای آیه را محدود نمی‌کند، روایات شأن نزول نیز بیانگر مورد و مصداقی برای مفهوم کلی آیه است و هیچ‌گاه مورد یک عام یا مطلق، مخصص یا مقید آن نیست و این‌گونه روایات گرچه مایه کاهش عموم یا اطلاق نیست، راهگشای خوبی برای مفسر است تا آیه را به‌گونه‌ای تفسیر کند که با مورد خود هماهنگ و سازگار باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۳۳).

ایشان از شأن نزول‌ها برای روشن شدن مقاصد آیات استفاده می‌کند و درعین‌حال آیات قرآن را فراتر از شأن و سبب نزول آنها می‌داند. ایشان معتقد است آیات قرآن کریم هرگز در محدوده سبب و شأن نزول خود محصور نمی‌شود، وگرنه کتاب الهی جهانی و جاودانه نخواهد بود:

ولو أن الآية إذا نزلت في قوم ثم مات أولئك القوم ماتت الآية لما بقي من القرآن شيء ولكن القرآن يجري أوله علي آخره مادامت السماوات والأرض (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۰).

به تعبیر حضرت امام باقر علیه‌السلام، همان‌گونه که مهر فروزان و ماه تابان همواره روز و شب را روشن می‌کنند و اختصاص به دورانی خاص ندارند، قرآن کریم نیز چنین نیست که هدایت و تدبر آن برای دوران‌های گذشته باشد و برای عصر حاضر و اعصار بعد بهره‌ای جز تلاوت نداشته باشد:

يجري كما يجري الشمس والقمر... يكون علي الأموات كما يكون علي الأحياء (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۲۱۶).

در این سخن بلند، از باب تشبیه معقول به محسوس، جاودانگی قرآن کریم به همواره درخشان بودن دو اختر پرفروغ آفتاب و ماه تشبیه شده است.

یکی از روش‌های آیت‌الله جوادی در پاسخ‌گویی به منکران وحی که در تفسیر تسنیم از آن بهره جسته، استفاده از شأن نزول آیات است. برای پاسخ به منکران وحی دانستن شرایط زمانی و مکانی که واقعه‌ای در آن اتفاق افتاده است می‌تواند به ارائه پاسخ کمک کند. مفسر تسنیم، با بیان شأن نزول، طرح شبهه می‌کند و منکران وحی را بهتر می‌شناساند و پس از بررسی شأن نزول آیات، پاسخ می‌دهد. ایشان، با استفاده از آیه شریفه «وَكُوْنُ نَزْلِنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (انعام / ۷)، به بهانه‌جویی و شهوت عملی مشرکان حجاز در مقابل وحی الهی می‌پردازد و این‌چنین تفسیر می‌کند:

این آیه از شدت لجاجت و بهانه‌تراشی آنها پرده برمی‌دارد. آنان وحی آسمانی را همانند نزول باران از آسمان، مادی می‌پنداشتند. از این‌رو، توقع داشتند که آن را به صورت کاملاً مادی و محسوس ببینند و لمس کنند. ذات اقدس الهی در پاسخ به این بهانه‌جویی‌ها می‌فرماید: حتی اگر ما آیات الهی را به صورت نوشتاری مادی در کاغذ و کتابی ملموس نازل کنیم و آنها نیز با دست‌های خود آن را لمس کنند، بازهم ایمان نمی‌آورند، بلکه آن را سحری آشکار می‌پندارند؛ زیرا آنان اساساً ربوبیت و تدبیر الهی در امور جزئی را منکرند و بدین سبب اصل وحی را نپذیرفته و بهانه می‌آورند که انسان شایسته دستیابی به این مقام نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴ / ۴۳۷).

وی در تفسیر این آیه و معرفی منکران بهانه‌جو و پاسخ‌گویی به آنان شأن نزول این آیه را درباره عده‌ای از منکران (یهودیان) بیان می‌کند:

نزلت في نصر بن الحرث وعبد الله بن أبي أمية ونوفل بن خويلد قالوا: يا محمد! لن نؤمن لك حتى تأتينا بكتاب من عند الله ومعهُ أربعة من الملائكة يشهدون عليه أنه من عند الله وأتاك رسوله (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۲۸. نیز ر.ک: واحدی، ۱۴۱۱ ق: ۲۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴ / ۴۳۴ - ۴۳۳).

یهودیان، به واسطه بهره‌مندی از آموزه‌های وحی، خود را برتر از دیگران می‌دانستند و این در حالی است که پس از نزول وحی بر پیامبر اسلام ﷺ، پیشتاز در انکار وحی و مبارزه با آن بودند. آیت‌الله

جوادی در تفسیر آیات «وَكَلَّمَآ جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكٰفِرِينَ * يَسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَكْفُرُوا يَمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بَعِيَا اَنْ يُنَزَلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاؤُوا بِغَضَبِ عَلٰى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (بقره / ۹۰ - ۸۹) بیان کرده است:

یهودیان در نیایش‌ها و در گفتگوهای سیاسی - اجتماعی، همواره بر مشرکان حجاز طلب فتح و پیروزی و رهایی کرده، در برابر تجاوز بت‌پرستان به آنان می‌گفتند: در آینده پیامبری مبعوث خواهد شد که وحی و رسالت موسوی ﷺ را تصدیق می‌کند و ما در سایه ایمان به او بر شما شوریده و پیروز خواهیم شد و شما را از این دیار بیرون خواهیم کرد. آنان براساس تبشیر آشکار تورات، از طلوع صاحب‌نامی که با کتاب و دین خاص مبعوث می‌شود، آگاه بودند و همین خبر مسرت‌بخش را زمینه ظفرمندی خود بر مشرکان تلقی کرده، خود را نسبت به کافران بت‌پرست حجاز، که از آموزه وحی الهی محروم و از کتاب خدا به‌دور بودند، برتر می‌دانستند، لیکن هم اینان که در انتظار نزول قرآن و بعثت رسول اکرم ﷺ بوده و بدان استفتاح و استنصار می‌کردند، پس از بعثت، با اینکه پیامبر و قرآن را می‌شناختند، عالمانه و عامدانه به آن کفر ورزیدند و با کافران و مشرکان هم‌پیمان شدند و احیاناً آنان را بر مسلمانان مقدم می‌داشتند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۴۸۴ - ۴۸۳).

۹. روش اخلاقی

آیت‌الله جوادی با اعتقاد به اینکه حدود الهی همان معارف اعتقادی و اصول اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی است، از مسیر اصول اخلاقی نیز به عرصه پاسخ‌گویی به منکران وحی وارد شده است. روش اخلاقی طرح مباحث از برجستگی‌های آموزنده **تسنیم** است. از نکات برجسته این تفسیر ظهور ادب و اخلاق الهی است که در کلام و گفتار مفسر آن تجلی کرده و قرآن از این رهگذر مآدبه و جایگاه ادب است. از این‌رو، از آنجاکه ادب کلام نمایانگر ادب و اخلاق متکلم است، استاد فرزانه نیز با تخلق به اخلاق قرآن، اثر گران‌سنگ خود تفسیر دهاق **تسنیم** را مظهر ادب قرآنی قرار داده و با آهنگ ادبی و نزهتی آن در همه زمینه‌ها سخن گفته و قلم زده است. لذا به‌رغم تعرض صریح به مشرب‌ها، اقوال و اندیشه‌های مختلف عرضه‌شده و نفی و طرد برخی از آنها، با رعایت حریم علم و حرمت عالم حرکت کرده، که این خود نمونه‌ای بارز از تفسیر عملی قرآن است و برای رهپویان و قرآن‌پژوهان قطعاً نمونه رفتاری بسیار مناسبی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۵).

از منظر آیت‌الله جوادی، پیام وحی چیزی جز اخلاق نیست:

بزرگان علم اخلاق می‌گویند: اگر یک کشتی با صد سرنشین دارد غرق می‌شود و فقط اندکی از آنان با شنا آشنایند، آیا اینان باید خود را نجات دهند یا هم‌رنگ جماعت شوند و هلاک؟ رعایت اکثریت درستکار خوب است؛ اما شعار «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو» نه سخن عقل است نه پیام وحی (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۶۸).

ایشان وحی را از اخلاق جدا نمی‌داند و اخلاقی را که همسو با وحی الهی و موافق آن باشد تحقق عینی «صراط مستقیم» در آیه «وَلَهْدِيْناهُمُ صِرَاطًا مُسْتَقِيْمًا» (نساء / ۶۸) می‌شمارد:

گفتنی است که «صراط مستقیم» عقیده، اخلاق و عمل صالح مطابق وحی است که هنگام رسوخ آنها در جان، صراط مستقیم با سالک آن یکی می‌شود و راه از رونده جدا نیست و سالک معتقد به دین و متخلق به اخلاق الهی و عامل به وحی الهی، با مسلک متحد شده و در درون خویش سفر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۲۶ - ۴۲۵).

این مفسر برجسته، با بهره‌گیری از روش اخلاقی و ادب قرآنی، در پاسخ‌گویی به منکران وحی بسیاری از ردایل اخلاقی آنان مانند جهل و غفلت، تحجر و تعصب، خودبزرگ‌بینی و پست‌بینی دیگران، ثروت‌اندوزی و حب دنیا، کوردلی، تقلید کورکورانه، فسق، شهوت، جحد، استبعاد، افتراء، بهانه‌جویی، جدال ناحق، مسخره کردن ارزش‌ها، منع از خیر و خوبی، ایجاد اختلاف و تفرقه‌افکنی و نسبت ناروا به پیامبران را ریشه‌یابی می‌کند و این ردایل اخلاقی و دور بودن از اصول اخلاقی را که برگرفته از وحی الهی است به‌عنوان ریشه و دلیل انکار وحی از سوی آنان می‌داند.

نتیجه

این پژوهش با رویکردی تحلیلی و توصیفی به بررسی تفسیر تسنیم، اثر علامه عبدالله جوادی آملی، پرداخت و درصدد کشف و تبیین روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات منکران وحی برآمد. آنچه در این تحقیق حاصل شد، استخراج نظام‌مند مجموعه‌ای از روش‌های متنوع و کارآمد بود که مفسر در مواجهه کلامی با انکارکنندگان وحی به کار گرفته است؛ روش‌هایی که خود مفسر به‌طور مستقل و منظم آنها را بازگو نکرده، اما این مطالعه، با دقت و ظرافت علمی، به شناسایی و تحلیل آنها پرداخته است.

روش‌هایی مانند ارائه مثال‌های روشن، تبیین دقیق مفاهیم واژگان، استدلال‌های عقلی و نقلی، روش حلّی، استفاده از شأن نزول آیات و رویکردهای اخلاقی، هریک، نقش مکمل و برجسته‌ای در تقویت پاسخ‌های کلامی مفسر داشته‌اند. این تنوع و چندگانگی روش‌ها امکان مواجهه‌ای جامع، مستدل و علمی

با شبهات منکران وحی را فراهم می‌آورد و بیانگر ظرفیت عظیم تفسیر **تسنیم** در مواجهه با چالش‌های کلامی است. از این رو، یافته‌های این تحقیق، علاوه بر آنکه الگوی روشمند و قابل‌اتکایی برای مطالعات پاسخ‌گویی به شبهات کلامی ارائه می‌دهد، می‌تواند مبنای توسعه قالبی نوین تحت عنوان «تفسیر موضوعی کاربردی» قرار گیرد که از هم‌افزایی بین روش‌های مختلف تفسیر و کلام بهره می‌برد. بدین ترتیب، این پژوهش زمینه را برای ارتقای مباحث کلامی در پاسخ به منکران وحی فراهم می‌سازد و به محققان و دانش‌پژوهان این حوزه توصیه می‌کند تا با اتکا به این روش‌ها، پژوهش‌های عمیق‌تر، مستدل‌تر و راهگشتری را دنبال کنند. این روند می‌تواند به بازسازی و تعمیق مبانی کلامی و تفسیر وحیانی کمک شایانی کند و جلو بروز کج‌فهمی‌ها و ابهامات در عرصه‌های علمی و اعتقادی را بگیرد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- نهج البلاغه** (۱۳۸۴) ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). **التوحید**. قم: جامعه مدرسین.
 - ایازی، محمدعلی (۱۳۸۱). **قرآن اثری جاویدان**. رشت: کتاب مبین.
 - بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق). **البرهان فی تفسیر القرآن**. قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
 - برنجکار، رضا (۱۳۹۱). **روش‌شناسی علم کلام**. قم: دار الحدیث.
 - جوادی آملی، عبدالله ۱۳۷۸ **تفسیر تسنیم** (مجموعه چند جلدی). قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء.
 - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). **مهراستاد**. قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء.
 - حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵). **معارف و معاریف (دایرةالمعارف جامع اسلامی)**. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
 - خاتمی، احمد (۱۳۸۵). **فرهنگ علم کلام**. تهران: صبا.
 - دفتر مرجعیت آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی: <http://javadi.esra.ir>.
 - دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). **لغت‌نامه**. تهران: مؤسسه دهخدا.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). **مفردات الفاظ القرآن**. بیروت: دار القلم.
 - ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.

- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۱۴ ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲). *مبانی و روش‌های تفسیری*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی رحمته‌الله.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸). *قاموس قرآن*. بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱). *علوم قرآنی*. قم: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). *فرهنگ نفیسی*. تهران: خیام.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق). *اسباب نزول القرآن*. لبنان: دار الکتب العلمیه.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیر کبیر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *ادب قضاء در اسلام*. قم: اسراء.
- بابائی، علی اکبر و دیگران. (۱۳۸۱ ش). *روش شناسی تفسیر قرآن*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). *حقیقت و تأثیر اعجاز*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *آفاق اندیشه*. قم: اسراء.



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی